

دوماهنامه سیاسی فرهنگی و اجتماعی

اسراف

بارگشایه دانشگاه ها

کنگره ی شهدای دانشجو معلم

مادران شاغل

● شماره یک

● نیمه دوم مرداد ماه ۱۴۰۰

● محرم ۱۴۴۳



صاحب امتیاز: پایگاه بسیج دانشجویی
دانشگاه فرهنگیان مرکز سلمان فارسی

شماره مجوز: ۵۱۸۰۰/۲۹۵۲/۱۰۰

مدیر مسئول: زهرا سادات عندلیب

گرافیسٹ: کیمیا زارعی

سر دبیر: مرضیہ کریمی

مدیر هنری: فائزہ شاپور جانی

ناظر: زهرا طباطبائی

عکاسان: مریم جمشیدی، فاطمہ مسرور اسفینائی، مریم طاہری

ویراستار: زهرا سادات عندلیب

نویسندگان: آزادہ احمدیان، فاطمہ اکبرپور

راضیہ رحیمی نژاد، زهرا زرینی، لیلا عباسی

زهرا محب اشیاء سحر مسعودی

سخن سردبیر

مرضیه کریمی

بسم رب الشهدا و الصديقين

یکی از بزرگ ترین نعمت ها، نعمت خاطره و یاد حسین بن علی علیه السلام، یعنی نعمت مجالس عزاء، نعمت محرم و نعمت عاشورا برای جامعه شیعی ماست.
(مقام معظم رهبری)

سلام و عرض ادب خدمت تمام مخاطبان اشراق!
ان شالله که در این ایام بزرگوار با رعایت تمام پروتکل های بهداشتی قدمی برداشته باشیم در جهت رضای پروردگار و همچنین بیشتر نکردن زحمات کادر درمان.
از شما دعوت می کنم تا چشمان پرفروختان را بدرقه زحمات تمام عزیزانی کنید که هر یک به نحوی ما را در این شماره یاری رساندند.
و من الله توفیق...♦♦♦

فهرست

بارگشای
دانشگاه ها

صفحه 2

حضور
شدن مدارس

صفحه 6

قیامت
عشق

صفحه 8

کنکور

صفحه 12

کنگره ی
شهدای
دانشجو معلم

صفحه 14

مادران
شاغل

صفحه 17

مصاحبه
با استاد
بذرفکن

صفحه 22

لیست
پیشنهادی کابینه
دولت

صفحه 28



خدای مهربانم سلام

الطاف و رحمت بی دریغ تو را روی چشمانم می گذارم و می خواهم بر لوح قلبم نام‌هایی بنویسم که با یک لبخند به عرش ازلی برسد. تو را دوست دارم که عشق را مایه حیات انسان‌ها قرار دادی و لبخند را در بوستان خشکیده دنیا نشاندی. تو را شکر می گویم که خاک را آفریدی تا بر روی آن کودکیم را با سنگ ها و مورچه ها تقسیم کنم و در سنی بیشتر که بر عقل ارج می نهم یاد بگیرم که همچون خاک، فروتن و مهربان باشم. تو را شکر می گویم که آب این سرچشمه شور و نشاط را بر زمینی خشکیده و افسرده نازل نمودی و یاد دادی مانند آب مهرم را بر آدمیان جاری کنم. تو را شکر می گویم که آتش را آفریدی که زندگی بخش است و آموختم که مانند آن چوب سرما زده تا تکبر حقیرانه‌ام را در آتش توبه‌ام بسوزانم. تو را شکر می گویم که عدل را بر زمین همچون ستونی استوار نمودی و با پیغمبران عشق، درس عدالت را بر افکار و اخلاق و کردارمان آموختی. تو را شکر می گویم که زمین را با فرشی از گل آراستی و عطر و رایحه را همچون روح بر گل دمیدی و هزاران هزار نعمتی که زبان از گفتنش عاجز است و جز شکر کاری نمی تواند بکند. قرآن را می گشایم و سخنان گهربارت را همانند سخن والدین به فرزند با گوش جان می شنوم و روحم را غرق لذت می کنم که چه فصیح با بندگان سخن می گویی! اکنون که در دل با تو سخن می گویم، صوت ملکوتی اذان را می شنوم که فرامی خواندم: «بشتاب به سوی بهترین عمل». من نیز دعوت را با «قدقامت الصلاه» لبیک گفته، در مقابل این همه عظمت تکبیر می گویم. بارالها ما را از هدایت شدگان قرار بده که ما بندگان، بر لطف و کرم تو چشم امید داریم *



آیا بار هم چمدان‌های دانشجویان برای عزیمت به دانشگاه بسته خواهد شد؟

دانشجویی هم از جمله مواردی است که کرونا تحت تاثیر قرار داده‌است. اگر تا دیروز، دانشجو در قالب دانشگاه و ارتباط با استادان معنا پیدا می‌کرد؛ اما امسال با تغییری بنیادین مواجه شده‌است. به ویژه برای دانشجویان تازه وارد که سال‌های زیادی برای ورود به دانشگاه و نشستن پشت نیمکت‌های دانشگاه ایده آلشان لحظه‌شماری می‌کردند، نشستن پشت لپ‌تاپ یا سیستم و ارتباط از طریق اینترنت، قطعاً تجربه خوشایندی نیست.

عرفان، که خود را برای حضور در یکی از دانشگاه‌های تهران آماده کرده بود، از این که نتوانسته در محیط آموزشی حضور داشته باشد و بتواند با دیگر دانشجویان، تعامل و ارتباط رودرو برقرار کند، ناراحت‌است.

از طرفی دیگر، حفظ و کنترل شرایط درسی در خانه نیز مشکلات خاص خود را دارد. ساختن یک کلاس درس آرام در خانه‌های آپارتمانی نه چندان بزرگ، آن هم در شرایطی که سایر اعضای خانواده نیز قرنطینه خانگی و یا دورکاری را تجربه می‌کنند، کار آسانی نیست. عرفان می‌گوید: «من و برادرم، یک اتاق مشترک داریم. بالاخره، برنامه و ساعات کلاسی ما با هم متفاوت‌است. بقیه اعضای خانواده هم که کار و برنامه خود را دارند. برای همین تمرکز کردن روی کلاس و صحبت‌های استاد خیلی سخت شده‌است».

به همین دلیل، او معتقد است: «در این شرایط، اعضای خانواده باید یکدیگر را درک کنند و امیدوارم پدر و مادرها متوجه باشند که شرایط حاضر شاید از جهاتی ساده‌تر از قبل شده باشد؛ اما به هر حال اضطراب‌های خاص خودش را به همراه دارد».



برای مریم که مشغول نوشتن پایان‌نامه‌اش است، مهمترین مشکل، عدم دسترسی حضوری به کتابخانه‌ها و استفاده از کتاب‌های مرجع است. چراکه خدمات اینترنتی کتابخانه‌ها آن قدری توسعه پیدا نکرده که بتواند جوابگوی نیازها باشد *

از طرفی دیگر، تجربه شرایط تحصیلی کرونایی فقط برای دانشجویان جدید سخت نیست؛ بسیاری از رشته‌ها نیاز به کارگاه‌های عملی دارند و این چیزی نیست که بتواند به راحتی در فضای مجازی پیاده‌سازی شود. فاطمه که دانشجوی کارشناسی علوم تربیتی است، محرومیت از کارگاه‌های عملی و کارورزی‌های پربار را بزرگترین آسیبی می‌داند که کرونا به تحصیل او وارد کرده است؛ چون دانشگاه هم در عمل برای جبران این خلأ تدبیری نیاندیشیده است *

مریم اما از زاویه دیگری به مشکلات آموزش مجازی اشاره می‌کند: «کلاس‌های مجازی خیلی کسل‌کننده هستند. به خصوص که سرعت اینترنت بر کیفیت آن، تاثیر مستقیم می‌گذارد و گاهی موجب اختلال می‌شود. به هر حال، روابط اجتماعی تاثیر مستقیم بر روی عملکرد دانشجویان و مشارکت و تعامل آنان در فرآیند یادگیری دارد. باید جایگزین‌های مناسبی برای عدم حضور در فضای کلاس و هم‌صحبتی و تعاملات روزانه درسی تعریف شود تا کمی به زنده و پرشورتر بودن شرایط کمک شود. چنان که برخی از استادان از دانشجویان خود می‌خواهند تا وب کم خود را روشن نگه دارند تا هم بیشتر با یکدیگر آشنا شوند و هم فضا از یکنواختی خارج شود *

او همچنین ساعت برگزاری کلاس‌ها را نیز مهم می‌داند: «نکته مهم دیگر در آموزش‌های مجازی، ساعت تشکیل کلاس‌ها است؛ به نحوی که دانشجویان با رغبت و انرژی بیشتری در کلاس‌ها شرکت کنند. ممکن است در این میان، برخی از استادان به این مسأله توجهی نشان ندهند و میزان تعامل دانشجویان چندان برای‌شان اهمیت نداشته باشند *

فاطمه هم دغدغه جالب دیگری دارد: «چقدر خوب است که دانشگاه شرایطی فراهم کند که ما بتوانیم با سایر دانشجویان هم رشته‌مان در دانشگاه‌های دیگر ارتباط داشته باشیم. یک فضای علمی اشتراکی با نظارت خود دانشگاه‌ها و ایجاد قوانین و



قاعده ایجاد شود تا هم تعامل بیشتری صورت بگیرد و هم محیط زنده‌تر و پویاتر شود. این باعث می‌شود ما بتوانیم با ایده‌های دیگر هم آشنا شویم و تجربه‌های جدیدی کسب کنیم. برای بسیاری از این استادان این مسائل حل شده است و ممکن است نیاز ما را درک نکنند در حالی که در عمل به پیشرفت درسی ما منجر می‌شود. با این حال، تغییر شیوه آموزش از حضوری به مجازی، به کام عده‌ای نیز شیرین آمده است؛ از جمله برای یک دانشجوی ارشد علوم انسانی که باید علاوه بر تحصیل، نقش مادری خود را ایفا کند و حالا به لطف این سبک آموزشی، می‌تواند به شکل بهتری از عهده هر دو برآید.

علاوه بر این، صرفه جویی در وقت، حذف رفت‌وآمد، و کاهش هزینه‌های بسیاری از کارگاه‌های آموزشی به علت حذف هزینه‌هایی همچون اجاره سالن یا کلاس، آب و برق و... نیز جمله مزایای دیگری است که فضای کرونایی فعلی برای دانشجویان مهیا کرده است.

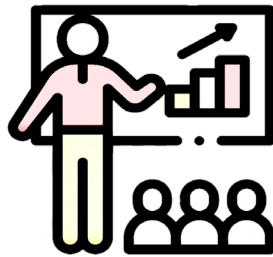
با این حال، دانشگاه، زنده است به دانشجو و کلاس و استاد. زنده است به جلسه و کنفرانس و همایش. زنده است به انجمن‌های علمی و فعالیت‌های سیاسی و تجمع‌های گاه و بیگاه. این همه منتظر روزی است که کرونا از میان رفته باشد تا خون تازه‌ای دوباره در رگ‌های دانشگاه به جریان افتد.

حال، در خصوص بازگشایی و رونق گرفتن دوباره دانشگاه، به بررسی آخرین و تازه‌ترین اخبار از زبان مقامات عالی کشور می‌پردازیم. ناصر مطیعی، رئیس صندوق رفاه دانشجویان با بیان اینکه چگونگی بازگشت دانشجویان به دانشگاه‌ها باید از سوی ستاد ملی مقابله با کرونا مشخص شود، یادآور شد: «سلامتی دانشجویان و دانشگاهیان از منظر وزارت علوم یک اصل محسوب می‌شود و بازگشایی دانشگاه‌ها منوط به واکسیناسیون است».

مشاور وزیر علوم افزود: «در مهرماه شاهد بازگشت همه دانشجویان نیستیم و ابتدا دانشجویان تحصیلات تکمیلی وارد دانشگاه می‌شوند. معاون امنیتی وزیر کشور و رئیس کمیته امنیتی، اجتماعی و انتظامی مدیریت بیماری



کرونا، در خصوص بازگشایی دانشگاه‌ها گفت «دانشگاه‌ها با توجه به محیط خوابگاه و مکان غذاخوری وضعیتی متفاوت تر از مدارس دارند و در این خصوص مقرر شد که وزارت علوم برنامه جامع و کاملش را در خصوص بازگشایی دانشگاه‌ها ارائه دهد و تصمیمات لازم با نظر ستاد ملی کرونا گرفته می شود.»
پس با این حساب باید منتظر ماند و دید که تصمیم نهایی ستاد ملی مبارزه با کرونا چه خواهد بود.»



حضورِ شدنِ مدارس

بالغ بر یک سال است که سایه‌ی کرونا بر جهان افکنده شده و جمع را به فرد تبدیل کرده‌است. در شرایطی که دوره‌های تعطیل شده و انسان‌ها با اکراه و ترس به دیدار یکدیگر می‌روند؛ مدارس نیز پذیرای دانش‌آموزان نمی‌باشد. سال گذشته به دلیل همه‌گیری ویروس، مدارس به صورت غیرحضوری و در بستر برنامه‌هایی مانند شاد، ادوب کانکت، واتساپ و ... فعالیت خود را به انجام رسانیدند. این امر، معایب و مزایایی را به دنبال داشت که از جمله مزایای آن می‌توان به کاهش هزینه‌های مادی و غیرمادی آموزش مربوط به هزینه‌های ریالی و زمانی رفت و آمد و حمل و نقل، آشنایی بیشتر دانش‌آموزان و خانواده‌ها با محتوای الکترونیکی و فناوری و نیز به روز بودن آموزش اشاره کرد؛ اما علی‌رغم مزایای این نوع آموزش بسیاری از دانش‌آموزان و والدینشان بر این باورند که آموزش حضوری در مدارس به دلیل درگیری بیشتر دانش‌آموزان با مفهوم آموزش، برای یادگیری آنان سودمندتر است. از جمله مشکلاتی که خانواده‌ها درباره یادگیری دانش‌آموزان بیان می‌دارند این مطلب می‌باشد که بچه‌ها حضور واقعی سر کلاس‌های درس ندارند و پس از اعلام حضوری خود یا کلاس را ترک کرده یا توجه کافی به مطالب معلم معطوف نمی‌دارند. از این رو ادامه دادن این شیوه آموزش در روند یادگیری آنان مشکلاتی ایجاد خواهد کرد.

پس از پایان سال تحصیلی گذشته بسیاری از والدین به حضوری شدن مدارس امیدوار بودند و زمزمه‌هایی در این باب به گوش می‌رسید؛ اما با توجه به روند واکسینه شدن افراد که هنوز شمار زیادی در برابر بیماری ایمن نشده‌اند و همچنین پیدایش و شیوع نوع جدید ویروس موسوم به دلتا کرونا که طبق گزارش‌ها، افراد در سنین مختلف را



درگیر می‌کند و خطر ابتلای دانش‌آموزان نیز وجود دارد، این احتمال هست که کلاس‌های درس، مانند سال تحصیلی گذشته و به صورت غیر حضوری برگزار شود. محسن حاجی میرزایی وزیر آموزش و پرورش درباره حضوری شدن مدارس در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۴۰۱ گفته‌است: به ستاد ملی مبارزه با کرونا پیشنهاد داده‌ام حتی اگر یک ساعت در روز می‌شود دانش‌آموزان را به مدرسه بیاوریم. آقای حاجی میرزایی در مورد نگرانی‌های والدین نیز اضافه کرد: دغدغه‌ها را درک میکنم و کاری بدون نظر مسئولان بهداشتی انجام نخواهیم داد. در شرایطی که مصونیت جمعی ایجاد شده‌باشد مدارس بازگشایی می‌شوند و اگر چنین شرایطی در مهر ۱۴۰۰ نباشد روش غیر حضوری خواهیم داشت. البته امیدواریم مسئولان کشور این شرایط را زودتر ایجاد کنند.

با توجه به مطالب گفته شده، بحث حضوری شدن مدارس و بازگشایی دوباره آن‌ها به روی دانش‌آموزان امری است که به زمان بیشتر و بررسی بیشتر درباره وضعیت سلامت و واکسینه‌ی کشور بستگی دارد و خبری به طور قطع در این باره در دست نیست، اما اگر تصمیم بر ادامه شرایط آموزش مجازی گرفته‌شد باید امکانات بیشتری در اختیار مدارس و دانش‌آموزان قرار گیرد.



تلاطم عشق

شب عاشورا در زمزمه‌های مرگ و زندگی غرق شده بود. وهم و شجاعت، ناامیدی و امید، اندوه و شوق در روح انسان خیمه زده بود و هر آدم در آن بیابان بی آب و علف مخیر به یک انتخاب بود و جز دوراهی که در امواج فکری‌اش همچون بادهای می‌رقصیدند راه دیگری نداشت *

در طوفان افکار شک‌برانگیز سرنوشت‌ساز، مردی سراسر یقین و امید، راه هر گونه شک را بر خود بسته بود و چشمانش همچون آینه‌ای آینده‌ی فردا را می‌دید. پیغمبر راه هدایت، همچون جد بزرگوارش که در غدیر موظف به ابلاغ رسالتی مهم بود، باید خبر تلولو فردای خورشید و زمین داغ و جفای خاوها و زمزمه زلال فرات را به گوش یاوران خود می‌رساند تا طوفان شک سینه‌چاکانش آرام گیرد و این شک، ریشه وجودشان را نکند *

ماه و ستارگان، آن شب، شاهد گفتگوی مردان خدا شدند. حسین، آینده دهشتناک و جلال و شکوه معنوی فردا را به گوش یاران خود رسانید تا سخن حق، صافی باشد و یقین حق و شک باطل را از هم جدا کند *

دست سرنوشت جمعیت خیر را به اندک و جمعیت شر را به انبوه متصل نمود تا سندی همیشگی برای آیندگان و حقیقت جویان راه حق باشد و گسل لرزان باطل را بر همگان آشکار کند *



شب می‌ترسید و بر خود می‌لرزید. گویا نمی‌خواست که در فردای دیگر شاهد خون باشد. با این حال، آن شب با عاشقان راه حق به صبح رسید. خورشید پرنورتر از همیشه، زمین بی‌آب کربلا را روشن نمود. گویا به زمین فرمان می‌داد تا امروز همچون کوره‌ای داغ، جسم‌های بی‌جان را در آغوش بگیرد و در خود ذوب کند. مردان خیر و شر روبروی هم ایستاده بودند. مردان خیر در رویای وصال حق و بشارت آزادی و آزادگی و شرافت بودند و مردان شر در رویای رسیدن به زر و سیم و جاه و جلال و مقام و شکوه دنیوی غرق شده بودند و مال حرام چشمانشان را به روی آیات راستی و درستی و خیرخواهی بسته بود *

عمرسعد در رویای خود خفته بود و خون حسین را کابین سلطنت بر ری می‌دانست و سرهای مردان حق را همچون نمای کاخ نفرت‌انگیز و سیاه خود. و مست، بر قدرت خود می‌بالید و قهقهه شیطانی سر می‌داد. نفرت آن روز در شکل صورتکی بر صورت خورشید به مزدوران جهل و ثروت می‌تابید و شعله کینه و انتقام جنگ بدر و خون‌خواهی از عثمان را بیشتر می‌کرد. عده کثیری از ساده لوحان و پول پرستان و ظاهر بینان می‌پنداشتند که کشتن حسین بر مدار حق و عدالت است و حسین از دین خارج شده؛ اما گرگ‌های در لباس میش، بند بند وجودشان به پاکی و ایمان و بزرگی او شهادت می‌داد؛ حال آنکه آن‌ها بر مدار قدرت و ثروت، حقیقت را کشته بودند و لاشه‌اش را در جمعیت لاشخوران به نمایش گذاشته بودند تا حقیقت به کلی محو گردد *

اما حقیقت، جسد مرده متعفی نبود که با خوردن و سوختن و تکه تکه کردن از صفحه روزگار محو شود بلکه آن، ققنوسی بود که با سوختن و خاکستر شدن، در لحظاتی که همگان می‌پنداشتند که دیگر حقیقتی نیست، از خاکستر خود برخاسته و جانی دوباره گرفته و بر سر منکرانش آوار می‌شود.

صدای جنگ‌خواهی یاران شیطان گوش عالم را کر کرده بود و سخنان هدایتگر حسین در آن میان گم شده بود. شروع جنگ با اولین تیر از سوی دشمن صورت گرفت. در ابتدای جنگ عده کثیری از مردان خدا به سوی لقاء الله شتافتند *



ظهر جای خود را به صبح داد و گرمای صحرای کربلا بیش از پیش شد. حال، وقت آن رسیده بود تا نماز عشق را در محضر خداوندگار عالم برپا کنند. دشمن چون این لحظات را دید بر خود جنبید و در صدد آن بود تا این ملاقات الهی را ناممکن کند. اما اراده پروردگار بر نیت خصم پیروز شد و نماز به زیبایی هر چه تمام تر برگزار شد و مومنانی در این میان جان باختند.

در آن جنگ، نبرد تن به تن نبود. سپاهی هزارنفره در برابر جمعیتی ۷۲ نفره. مردانگی برای دشمنان خدا، جلوه‌ای خفت بار و ذلیل‌گونه داشت. نبردهای آن روز، جگرگوشه‌های حسین و عزیزان خدا را به کام مرگ و روحشان را همچون پروانه‌ای به آغوش باز ایزد منان می‌فرستاد. عاقبت، حسین در چنگال گرگ‌های گرسنه ی قدرت افتاد. حسین با قدرت الهی و ایمان والای خود با شمشیر حق‌طلبی، عده بسیار زیادی را به درک واصل نمود؛ اما عاقبت و فرجام کار به گونه‌ای دیگر بود و شیاطین هر کدام با ضربتی خون‌مطهر ایشان را بر صحرای خشکیده کربلا جاری نمودند. گویا آن‌ها می‌خواستند اینگونه صحرای کربلا را به دریای خون تبدیل کنند. اما نمیدانستند که این خون دامان آن‌ها را می‌گیرد و گلویشان را می‌فشرد.

سر حسین از بدن مطهرش جدا شد و خیمه‌گاه به تاراج رفت. گرگ‌های قلاده شکسته تا میدان را خالی از مرد دیدند به سوی خیمه‌ها دویدند و جهنمی از آتش را در کربلا برپا کردند. کودکان از ترس گرگ‌ها شروع به دویدن کردند تا از چنگال درنده آنها در امان بمانند؛ اما خار گویا با دشمنان هم داستان شده بود و پای دویدن را از آن‌ها می‌گرفت. طلا و گوشواره‌ها خوراک دیوان و ددان صحرا شد و زخم و تازیانه و سیلی بهای زیورآلاتشان. در آن میان، اراده والای خدا بر آن بود که علی‌فرزند حسین زنده و بیمار باشد و امت اسلام بی‌امام نماند.

صدای آه و ناله کودکان در کربلا طنین انداز بود و کربلا همچون آدمیزاد دستهایش را بر گوش‌هایش گذاشته بود تا صدای فریاد مظلومان را نشنود.

عاقبت تصمیم دشمن بر آن شد تا به سمت شام حرکت کند؛ اما گویا خبر نداشتند که زینب، شیر دختر شاه عرب، علی(ع)، قرار است عاشورایی دیگر به پا کند و رسالت بزرگ حسین را به اتمام رساند و دشمن را در طوفانی از اندوه و پشیمانی و ننگ بگذارد...

و این است سخن حق
«وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا»
و بگو: حق آمد و باطل نابود شد بی تردید باطل نابود شدنی است *

زهرا زینبی





اسامی بعضی از فصل‌ها و ماه‌ها و روزها برای ما نماد یک اتفاق خاص‌اند. برخی حوادث مخصوص همان روزها هستند مثل تیرماه که قرق کنکوری‌هاست *

همان‌هایی که به جبر قانون آموزش و پرورش باید گندم‌هایی که ۱۲ سال با تمام سختی کاشته‌اند و برای نگهداری‌شان با غول‌های شهریه و کتاب تست و آزمون‌های آزمایشی و.... جنگیده‌اند را در تنها ۴ ساعت درو کنند *

فرزندان ما مردم عادی، در نظام آموزش و پرورش یک رویه عادی را طی می‌کنند تا به مرحله کنکور برسند *

همه در ۹ سال ابتدای تحصیلی هرساله باید با قیمت‌های رو به افزایش کیف و دفتر و لوازم التحریر آشنا شوند و شاهد کشمکش مردم و مدیران مدارس و مسئولین باشند. آن هم بر سر هزینه‌ای که رسانه و دولت می‌گویند غیرقانونی است و مدرسه دریافت می‌کند و همچنین بودجه‌ای که رسانه و دولت می‌گویند به مدارس می‌دهیم و حساب بانکی مدارس، چیز دیگری می‌گویند...

و در نهایت، نتیجه ۹ سال، چیزی جز علم لاینفع نباشد *

دوره دوم متوسطه را درحالی شروع می‌کنند که بیش از پیش به بهانه مدارس دولتی و غیردولتی، دانش آموزان را از یکدیگر تفکیک می‌کنند و این آغاز تمام تفکیک‌ها و بی‌عدالتی‌هاست *

دبیران برجسته برای مدارس غیردولتی و مدارس کلان‌شهرها، کلاس‌های تقویتی کنکور، آزمون‌های آزمایشی، کتاب‌های تست قطور و گران قیمت آموزشی، همه و همه در گرو تمکن مالی است *



و در نهایت کنکوری برگزار شود که ۴۲ درصد سوالات ریاضی آن غیر قانونی باشد و انتخاب رشته‌ای که با هزینه‌های گزاف می‌توان بهترین صندلی در بهترین رشته‌ی بهترین دانشگاه را از آن خود کرد.

اما در اینجا مبحث قابل توجه، حساسیت عده‌ای است که سهمیه‌های مدیران و غیر مدیران را عادی می‌انگارند و نوک پیکان ملامتشان به سوی ۵ درصد سهمیه بنیاد شهید است.

تا زمانی که عرف جامعه، تلاش همه‌جانبه برای تحصیل در مدارس کاملاً غیر دولتی با هزینه‌های گزاف و قبولی در دانشگاه‌های دولتی بدون هیچ هزینه‌ای باشد می‌توان نتیجه را این‌گونه پیش‌بینی کرد:

فرار مغزها و فارغ التحصیلان بیکار...

اما در بین تمامی ناعدالتی‌ها تلاش‌های افرادی چون دکتر شهریاری، احمدی روشن، علیمحمدی، رضایی‌نژاد، فخیم زاده و دیگر اندیشمندان و محققان و دانشمندان متکی به توانایی‌های خود، قابل تقدیر و ستایش و سبب افتخار است...



باسمه تعالی

نخستین کنگره شهدای دانشجو معلم

هم مسیر با شهدای دانشجو معلم (هم مسیر با عطر شهادت)

شهادت پایان نیست، آغاز است. تولدی دیگر است در جهانی فراتر از آنچه عقل زمینی به ساحت قدس آن راه یابد. تولد ستاره ایست که پرتو نورش عرصه‌ی زمان را درمی نوردد و زمین را به نور ربّ الارباب، اشراق می بخشد.

«شهید سید مرتضی آوینی»

سلام بر سالار شهیدان و سلام بر شهدای راه عزت و وطن

مجاهدان راه حق که حبّ وطن ریشه در جان آنان دوانده بود، هم نوا با لبیک امام شهیدان، حسین (ع)، عزت را به خواری ترجیح داده و با خون پاکشان صفحات مشق جوانمردی و غیرت را رنگین ساخته‌اند، آنان که بیرق پاسداری از انقلاب اسلامی را مردانه تا قله‌های رفیع شهادت به دوش کشیدند. اکنون ما مانده‌ایم و یاد شهدا که به فرموده‌ی رهبر معظم انقلاب

حضرت آیت الله خامنه‌ای مد ظله العالی: «امروز فضیلت زنده نگه داشتن یاد شهدا کمتر از شهادت نیست». در راستای ترویج فرهنگ شهادت و زنده نگه

داشتن یاد و نام شهدای والامقام برای نخستین بار در کشور کنگره‌ی شهدای دانشجو معلم با اهداف متعددی از جمله الگوسازی شهدای سرافراز برای دانشجو معلم، با همکاری رئیس دانشگاه فرهنگیان کشور و رئیس بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان برگزار شده است و جامعه‌ی فرهنگیان کشور میزبان این کنگره می باشد.

در هر استان به تفکیک یک دبیرخانه و یک ستاد استانی تشکیل گردیده است که شوراهای اجرایی در هر پردیس و مرکز، زیر مجموعه این دبیرخانه می باشد و به کمیته پژوهشی (با هدف مصاحبه با خانواده شهدا و جمع آوری اطلاعات شهدای والامقام)، کمیته فرهنگی (ایده پردازی)، کمیته روابط عمومی و کمیته اجرایی تقسیم می شود.

مأموریت کنگره‌ی شهدای دانشجو معلم چیزی جز تعلیم و تربیت نیست و نخواهد بود. برای برداشتن گام‌های اثربخش در مسیر تحول، نیاز است که رفتار و شخصیت و عملکرد شهدای دانشجو معلم به عنوان یک الگوی تراز تربیتی مدنظر قرار گیرد.

دانشجو معلم امروز میدان‌دار جنگ‌هایی پیچیده هستند که به فرموده رهبر معظم انقلاب: «در عرصه‌ی تعلیم و تربیت جنگی برپاست». اگر دشمن دیروز مرزهای کشور را آماج تهدید قرار داده بود، امروز ارزشها و فرهنگ ما را نشانه گرفته است و یک معلم بابصیرت و معتقد به آرمان‌های انقلاب اسلامی است که می تواند در این جنگ اعتقادی پیروز میدان باشد.



آمدی، آمدی ای شهید سرزمین ما روشن شد
رایحه‌ی عطر تو، رایحه‌ی آسمان شد
از خون سرخ تو لاله‌ها روید
بر دل‌های ما نوری از مهر و ایمان تابید
باران لطف و رحمت برای تو بارید
چشمان منتظر نرگس‌ها سیراب از نگاهت شد
قلعه‌ی تاریکی از عزم تو ویران شد
دشمن غاصب از رزم تو حیران شد
ای شهید ما، آزادی بخش سرزمین مایی
ای بهترین واژه‌ی زمین جاودان و سرافرازی



مادران شاغل

خانواده از مهمترین عوامل موثر در رشد همه جانبه کودک است و وظیفه اصلی در رشد جسمانی و روانی کودک را عهده دار است. تاثیر خانواده و به ویژه مادران بر روی شکل گیری شخصیت کودک، در سراسر زندگی وی آشکار خواهد بود.

تغییر و تحولات زندگی انسان و تغییر نقش زنان و گرایش بیشتر برای شاغل بودن آنها، باعث شده که بسیاری از مادران شاغل باشند و مانند قبل در کنار فرزندان خود نباشند.

مراقبت های منظم و محبت آمیز مادر، برای ایجاد حس اعتماد در کودک ضروری است و خصیصه ی تکراری و ارضا کننده ی این مراقبت ها، موجب می شود که بعدها کودک بهتر بتواند در مقابل ناکامی ها، مقاومت کند؛ در عوض اگر مراقبت پایدار نباشد، احساس عدم اطمینان در کودک رشد می یابد و وی دچار اضطراب و دلهره در شرایط ناکتم کننده می شود؛ پس مادران شاغل باید سعی کنند از زمانی که با فرزندان خود سپری می کنند، بیشترین استفاده را ببرند و کاری کنند تا فرزندانشان، متوجه این مدت زمان دوری نشوند و آنها نیز همانند سایر کودکان از حس اطمینان کافی برخوردار باشند.

این مسأله، برای مادران خانه دار ممکن نشدنی نیست؛ اما نیاز به دقت بیشتری در خصوص بانوان شاغل و زحمت کش دارد و با اندکی دقت و



پیگیری قابل حل است *

براساس یک پژوهش، نگرش مادران به خلاقیت در بعد بازی، حاکی از اهمیتی است که آنان به نقش آموزشی و تربیتی بازی در فعالیت های فردی و اجتماعی فرزندان خود می دهند. براین اساس هرچه مادران به نقش بازی در زندگی فرزندان اهمیت بیشتری بدهند و در این امر، خوداستقلالی و آزادی کودکان را مورد توجه قراردهند، باعث شکل گیری انگیزش های درونی در فرزندان می شود و این خصیصه در مادران شاغل بیشتر به چشم می خورد و مادران خانه دار نیز باید استقلال و آزادی بیشتری را به فرزندان خود بدهند تا آنان نیز استقلال بیشتری را تجربه کنند و بازی تاثیر مثبت خود را بر آنان بگذارد *

طبق بررسی های انجام شده در یک پژوهش، مشاهده شده که هرگاه مادران شاغل هستند، پدران در وظایف خانه و مراقبت از کودکان فعال تر می شوند و این امر موجب می شود که کودکان کنترل درونی بیشتری پیداکنند، در آزمون های رشد هوش نمره های بالاتری به دست آورند و درباره نقش های جنسی، دیدگاه قالبی کمتری داشته باشند *

باآنکه اشتغال مادران، تاثیر مثبتی بر کودکان و خانواده دارد؛ اما از سوی دیگر، برخی بررسی ها نشان داده اند که اشتغال تمام وقت مادران، بهداشت روانی خانواده را کاهش می دهد. (هاستون و آرونسون، ۲۰۰۵؛ ریجسویک و همکاران، ۲۰۰۴). بااین وجود، کار پاره وقت مادران نه تنها می تواند تعادلی بین پرداختن به کار و خانواده برقرار کند، بلکه با بالا بردن روحیه مثبت در مادران، باعث افزایش بهزیستی افراد خانواده می شود؛ بنابراین پیشنهاد می گردد با شناور ساختن ساعات کار، امکان انجام دادن بخشی از کارهای اداری



در منزل و گسترش بهره‌گیری از قانون کار نیمه وقت، به مادران شاغل
در این زمینه کمک شود *

همانگونه که مشاهده کردید، باید ساعات حضور مادر در محل کار و منزل
متعادل گردد و از اثرات منفی آن پیشگیری شود. همچنین یادآور می‌شود
مسأله‌ی ساعت شغلی مادران نسبت به پدران از حساسیت بیشتری
برخوردار است *



اختلال وسواس ۱

• که وارد ذهن می شود و پریشانی و اضطراب را
• به وجود می آورد •

• **اجبار چیست؟** کارهایی که شخص برای
• راحت شدن از شر افکار وسواسی خودش
• انجام می دهد •

• بگذارید برای شما یک مثال بزنم •
• شما وقتی اسم وسواس به گوشتان می خورد
• حتماً در ذهن خود فردی را تصور می کنید
• که مداوم در حال تمیز کردن یا شستن
• چیزی است؛ برای مثال ممکن است که
• کودک فکر کند چون میکروب ها او را مریض
• می کنند، دائم باید دست های خود را بشوید.
• در این مثال، فکر این که میکروب ها کودک را
• مریض می کنند وسواس و عمل شستن دست
• ها توسط او اجبار نامیده می شود •

• اما وسواس همیشه هم وسواسی نیست که
• ما به عنوان وسواس تمیزی می شناسیم.
• گاهی وقت ها تشخیص دادن وسواس اصلاً
• واضح نیست به عبارتی نمی توانیم رابطه بین
• وسواس و اجبار را ببینیم؛ مثلاً یک کودک
• ممکن است که فکر کند اگر همیشه با پای
• راست راه رفتن را شروع نکند کسی که او را
• دوست دارد ف می میرد •

• گاهی نیز در مدارس و کلاس های درس
• وسواس به طور واضح دیده می شود . شما به
• عنوان معلم ممکن است شاهد دانش آموزانی
• باشید که مدام در حال پاک کردن یا پررنگ
• کردن تمرین های نوشتنی خود می باشند •

• در مدرسه ممکن است با دانش آموزان پسر
• یا دختری مواجه شوید که یک قسمت از
• موی سرشان دچار ریزش شده به عبارتی
• پوست سرشان قابل مشاهده است. به غیر از

**آیا تا کنون با رفتارهایی از خودتون یا دیگران رو
به روشدید که نتونسته باشید تفسیرش کنید؟**

• براساس گزارش سازمان بهداشت جهانی
• بیماری وسواس جزو ۱۰ بیماری فلج کننده
• زندگی به شمار می آید. متأسفانه بیش از ۸۰
• درصد کسانی که به وسواس مبتلا هستند،
• همزمان درگیر یک اختلال روانپزشکی دیگر
• مثل افسردگی و پانیک نیز هستند •

• در صورت عدم درمان این بیماری که شدیداً
• میل به مزمن شدن دارد، می تواند سالیان سال
• دست نخورده باقی بماند. براساس تحقیقات،
• طول عمر وسواسی ها به مراتب کمتر از
• آدم های سالم است و به خاطر اضطراب بالا،
• افسردگی و مصرف مواد دو برابر بیشتر از بقیه
• در اثر مرگ زودرس فوت می کنند؛ اما در
• صورت مراجعه به روانپزشک یا روانشناس،
• شانس بهبودی آنان خیلی بالاست ولی بیشتر
• این بیماران در مراجعه به متخصص، مقاومت
• عجیبی دارند •

• وسواس کودکان با شیوعی در حدود ۳ درصد
• در پسران ۶ تا ۱۲ سال و در دختران بین
• ۷ تا ۱۱ سال به اوج می رسد. یک نفر از هر
• ۲۰۰ کودک و یک نفر از هر ۱۰۰ بزرگسال به
• وسواس دچارند. به این معنا که در یک مدرسه
• ابتدایی ۶۰۰ نفره سه کودک و تعدادی از
• کارکنان مدرسه به وسواس دچارند •
• وسواس چیست؟ یک سری افکار ناخواسته



برای همدیگر هستند هرچه کودک استرس بیشتری را تجربه کند مثل استرس امتحانات مدرسه یا اتفاقات آسیب‌زای درون خانواده،

راحت‌تر دچار وسواس می‌شود.

در مواردی که ذکر شد راه‌هایی برای کمک به کودکان یا افرادی که دچار این مشکلات هستند وجود دارد که ما معلمان می‌توانیم نقش چشمگیری در کمک به حل آن‌ها داشته باشیم. در شماره بعدی این مجله به راه حل‌ها و ابعاد دیگر اختلال وسواس می‌پردازیم. با ما همراه باشید.



- احتمالاتی که در مورد داشتن بیماری‌های خاص ممکن است وجود داشته باشد، احتمال اینکه این کودکان به وسواس‌کندن مو دچار باشند نیز هست.
- یک نوع اجبار دیگر نیز وجود دارد که به آن رفتار آیینی می‌گویند که شامل ضربه زدن به یک شی یا یک بخش از بدن است؛ مثلاً کودک ممکن است که اجبار مکرر به حمام کردن یا مسواک زدن داشته باشد یا اگر غذا می‌خورد باید تعداد مرتبه‌های جویدن با دندان راست و چپش برابر باشد.
- به طور خلاصه الگوهای متفاوتی وجود دارد که کودک با انجام دادن آن‌ها سعی در از بین بردن احساس بد خود دارد و چون نسبت به آن رفتارها احساس خجالت زدگی می‌کند، سعی در مخفی کردن آن‌ها دارد.
- حال که به طور کلی با وسواس آشنا شدیم شاید این سوال برای شما پیش بیاید که چرا اصلاً وسواس به وجود می‌آید یا چه عواملی باعث ایجاد وسواس می‌شوند؟
- محققان بر این باورند که کمبود سروتونین در مغز باعث ایجاد وسواس در کودکان می‌شود. در بروز وسواس، عوامل ژنتیکی هم دخالت دارند. اگر والدین کودک دچار وسواس باشند ۴ تا ۸ درصد احتمال انتقال آن به فرزندان وجود دارد. وجود اختلالاتی مثل فوبیا در خانواده کودک می‌تواند از موارد افزایش خطر ابتلا به وسواس باشد.
- استرس نمی‌تواند وسواس را ایجاد کند؛ اما می‌تواند علائم آن را تشدید کند. می‌توانیم بگوییم استرس و وسواس، دوست‌های خوبی



مصاحبه با استاد بزرگ فکر

سلام و عرض ادب خدمت استاد گرانقدرم، جناب آقای دکتر بذرافکن، سپاسگزارم که دعوت ما را پذیرفتید و خوشحال و خرسندیم که در خدمت شما هستیم
لطفاً برای خوانندگان نشریه، خودتان را به طور کامل معرفی بفرمایید

به نام خدا. خانم اکبرپور سلام بر شما. بذرافکن هستم. پس از دوره‌ی ۲ ساله‌ی تربیت معلم، سال ۶۹ با مدرک فوق دیپلم وارد آموزش و پرورش شدم و کار خودم را در روستای فتوح آباد زرقان به عنوان آموزگار یک کلاس دوپایه‌ی مختلط سوم و چهارم آغاز کردم، در ادامه‌ی سال‌های خدمت، لیسانس آموزش ابتدایی و سپس کارشناسی ارشد و دکترای خود را در رشته تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش از دانشگاه شیراز اخذ کردم. ناگفته نماند که ۱۷ سال از سال‌های خدمتم را در اداره کل آموزش و پرورش در بخش‌های مختلف آموزش سپری کردم، در این سال‌ها توفیق داشتم تمامی شهرستان‌ها و مناطق استان فارس را سفر کنم و ضمن برگزاری کارگاه‌های آموزشی و بازدید از مدارس و کلاس‌های درس با معلمان و دانش‌آموزان دیداری داشته باشم و تجارب زیادی از رهگذر این دیدارها به دست آورم.

علاقه شما به معلمی از کجا نشأت می‌گیرد؟

شاید بتوان گفت علاقه‌ی من به معلمی از علاقه‌ی وافر من به بچه‌ها نشأت می‌گیرد. من بچه‌ها را زیاد دوست دارم و از تعامل و گفت و شنود و بازی با آن‌ها از همان دوران نوجوانی و جوانی حس خوبی داشتم. ورودم به دنیای معلمی به عنوان یک آموزگار، این زمینه و فرصت را برایم فراهم می‌کرد که بتوانم مدت بیشتری با آنها باشم. همان‌ها که مملو از صداقت، پاکی، صفا و صمیمیت هستند و به بیانی به فطرت الهی خودشان نزدیک.

در ادامه‌ی مسیر معلمی، بیش از یک دهه است که در دانشگاه فرهنگیان با خوبانی سر و کار داشتم و در این مرحله نگاه‌ها، گفتارها و نوشتارهای دانشجویان مبنی بر ابراز رضایت از آموزه‌هایی که در کلاس‌های درس به صورت برون خط یا برخط منتقل می‌کنم علاقه‌ام را هم چنان در مسیر معلمی تقویت کرده.



به نظر شما اهمیت و جایگاه اصلی یک معلم در جامعه چیست؟

به سؤال شما از دو زاویه می‌شود پاسخ داد. اهمیت و جایگاه معلم در جامعه آنچنان که اکنون هست و آنچنان که باید باشد و باید اعتراف نمود جایگاه اصلی معلم در جامعه آنچنان که بایسته و شایسته است درک نشده. ای کاش همه به این باور برسند که کلید صعود یا سقوط یک جامعه، فلاح یا فلاکت یک جامعه در دست معلمان یک جامعه است. تأثیر یک معلم صاحب دل، روشن ضمیر، خلاق، خوش ذوق، توانمند، متعهد و خودساخته بر دانش‌آموزان به بیانی معجزه‌آسا است. پیشگیری از اکثریت قریب به اتفاق آسیب‌های اجتماعی می‌تواند از رهگذر توجه به مدارس و در رأس آن توجه به معلمان صورت بگیرد. فراموش نکنیم تنها گفتار و کردار خوب یک معلم نیست که بر دانش‌آموزان اثرگذار است بلکه قلب یک معلم است که می‌تواند بر قلب دانش‌آموزان تأثیر بگذارد. اگر جایگاه اصلی یک معلم و قدرت معجزه‌آسای او در جهت تربیت والای فرزندان این مرز و بوم به خوبی درک شود، جامعه تمام امکانات خود را در جهت رفاه و آسایش یک معلم و از طرفی ایجاد آرامش در یک معلم به کار می‌گیرد؛ اما متأسفانه اکنون این گونه نیست که امیدواریم در آینده‌ای نزدیک با رفع برخی نابسامانی‌ها و تغییر نگرش‌ها و منش‌ها، معلمی جایگاه حقیقی خود را در جامعه و در نزد افراد مختلف از جمله مسئولین پیدا کند.

ممنون می‌شویم از تجربیات ارزشمندتان در حوزه مدیریت کلاس برایمان بگویید.

در حوزه مدیریت کلاس برای برقراری انضباطی اثربخش و ایجاد زمینه مناسب برای تحقق اهداف تربیتی، معتقدم مؤلفه‌های مختلفی نقش‌آفرین هستند. بخشی را می‌توان مرتبط با صلاحیت‌های حرفه‌ای و بخشی را مربوط به صلاحیت‌های اخلاقی دانست. مثلاً این که معلم بر محتوایی که می‌خواهد تدریس کند تسلط داشته باشد، یادداشت یا نقشه‌ی کوچکی برای تدریس در یک جلسه داشته باشد، روز اول سال تحصیلی را خیلی هوشمندانه و عالی سپری نماید، از وسایل کمک آموزشی استفاده کند، از تن صدا و زبان بدنش به خوبی بهره‌گیرد و از طرفی پایبند و مقید به رعایت ویژگی‌های اخلاقی چون خوش رویی و خوش‌زبانی، وفای به عهد، تواضع، گذشت، داشتن زبان تشکر و عذرخواهی و از این قبیل باشد مدیریتش بر دانش‌آموزان آسان خواهد بود. چرا؟ چون این‌ها نشانگر کمالاتی در انسان هست و بچه‌ها که به فطرت نزدیک هستند به سمت این کمالات کشیده می‌شوند و این کشیده شدن زمینه اطاعت‌پذیری معقول بچه‌ها را فراهم می‌کند.



بگذارید خاطره‌ای را در این باره خدمتتان عرض کنم. حدوداً سال پنجم خدمتم بود که به دلیل مسأله‌ی ادامه تحصیل و اخذ مأموریت تحصیلی نیمه وقت مجبور شدم یک سالی را در یک مدرسه راهنمایی خدمت کنم و تدریس دروسی از جمله حرفه و فن را عهده دار شوم. خیلی مقید بودم در تدریسم کم نگذارم؛ بخش کمک‌های اولیه را کاملاً کاربردی کار می‌کردم چگونگی حمل مجروح را عملاً در حیاط مدرسه تمرین می‌کردیم حتی وقتی به بخش صنایع غذایی کتاب رسیدیم، در کلاس مربا تهیه کردیم. با کمک بچه‌ها ماست و ترشی تهیه کردیم. دقت بفرمایید وقتی دانش‌آموزان احساس کنند معلم برای تدریس کم نمی‌گذارد جذب او می‌شوند. مضاف بر آن که رفتار خوبی هم با آنها داشتم. یادم می‌آید روزی در حیاط مدرسه به فاصله‌ی چند متر از پنجره‌ی کلاس پایه اول که مشرف به حیاط بود، داشتم عبور می‌کردم. معلم یکی از دروس، متأسفانه باید بگویم معلم پرورشی و قرآن در کلاس حضور داشت و با تندی و پرخاش بچه‌ها را دعوت به سکوت می‌کرد و این‌ها گوش نمی‌کردند، یک دفعه یکی از این بچه‌ها که متوجه حضور من در حیاط مدرسه شده بود به گونه‌ای که صدایش را شنیدم گفت: بچه‌ها بچه‌ها! آقای بذرافکن! و آن‌ها به احترام من ساکت شدند. آن‌ها برای یک معلمی که در کلاس حضور داشت احترامی قائل نبودند ولی برای معلمی بیرون از کلاس احترام قائل شدند. چرا؟ چون احساس می‌کردند آن معلم دوستشان دارد و برایشان احترام قائل هست، برای آن‌ها کم نگذاشته و همین موجب برقراری انضباطی اثربخش شد و مدیریت من بر آنها را محقق می‌کرد.

از نظر شما کلاس داری و تسلط معلم بر اداره‌ی کلاس، چه بایدها و نبایدهایی دارد و اصولاً با چه چالش‌هایی همراه است؟

این سؤال پاسخ مفصلی را می‌طلبد که فکر کنم از حوصله‌ی مخاطبان این نشریه خارج است؛ اما در این خصوص به چند مورد اشاره می‌کنم. به عنوان مثال گفته می‌شود معلم نباید با دانش‌آموزان دوست باشد بلکه باید دوستانه برخورد کند. خب چه تفاوتی بین دوست بودن و دوستانه رفتار کردن وجود دارد؟ ببینید دوست شما ممکن هست از پشت سر به شما نزدیک شده چشم شما را بگیرد و بعد با تغییر صدا بگوید: اگر گفتی من کی هستم؟ یا دوست عمدتاً شما را با اسم کوچک صدا می‌زند اما معلم در تعامل با بچه‌ها زیبنده است که تا این حد پیش رود؟ حتماً پاسختان منفی است. اما دوستانه رفتار کردن می‌تواند در همان محدوده‌ی لبخند زدن، احترام، دعاگو بودن، خوش‌زبانی، خوش‌بیانی، کمک کردن و امثالهم باشد یا مورد دیگری را خدمتتان عرض کنم؛ در مدیریت کلاس چنانچه خطا و کوتاهی از دانش‌آموزان دیدیم نباید به گونه‌ای اشکال دانش‌آموز را در جمع متذکر شویم.

چراکه این هجمه‌ای به شخصیت تلقی شده و چه بسا دانش آموز را جلو دوستانش شرم زده کند. اشکال یا کوتاهی باید به صورت انفرادی و به جا تذکر داده شود و از جمله موارد دیگر این که در مدیریت کلاس، معلم باید بکوشد که برخوردش با دانش‌آموزان به دور از تبعیض و بی‌عدالتی باشد چون اگر دانش‌آموزان چنین چیزی را احساس کنند که معلم بین آن‌ها فرق قائل است به شدت آزرده خاطر می‌شوند و چه بسا سعی در به هم زدن نظم کلاس داشته باشند.

در زمینه‌ی چالش‌ها اگر بخواهیم به یک مورد اشاره کنیم باید بگوییم بعضاً یک خانم معلم جوان در اولین سال تدریس، برای مدیریت بر دانش‌آموزان یک کلاس پسرانه چهارم، پنجم یا ششم، دور از ذهن نیست که دچار مشکل شود؛ یعنی اگر بچه‌های چنین کلاسی سال‌های اولیه، معلم داشته باشند که در برخورد با آن‌ها خطا و ضعف‌هایی داشته باشد حداقل تا مدتی علی‌رغم رفتارهای نیک معلم جوان، ممکن است این بچه‌ها سوءاستفاده کنند و مدیریت بر کلاس با مشکل مواجه شود.

در طول سال‌های تدریستان بیشتر از چه روشهای تدریسی استفاده می‌کنید که مورد پذیرش شاگردانتان است و کارایی و ثمربخشی لازم را دارد؟

از سال‌های اولیه که در مدارس ابتدایی تدریس می‌کردم تا الان که در دانشگاه مشغولم، همواره یک سؤال را قبل از تدریس از خودم می‌پرسیدم. از خود سوال می‌کردم: اگر من یک دانش‌آموز یا یک دانشجو بودم دوست داشتم معلم من چگونه تدریس کند؟ یعنی سعی می‌کردم خودم را جای مخاطب بگذارم و همین موجب می‌شد که بتوانم در حد توان خود را از ضعف‌ها دور کنم، البته خودم را در این خصوص کامل نمی‌دانم حتماً می‌توانم بهتر باشم و دیگر ضعف‌های خودم را هم برطرف کنم؛ مثلاً وقتی می‌دیدم معلمانی که یک جا روی صندلی می‌نشینند، حس خوبی ندارم سعی می‌کردم خودم در کلاس یک جا ثابت نباشم در کلاس حرکت کنم، اگر احساس می‌کردم معلمی تن صدای خوبی ندارد خودم سعی می‌کردم در کلاس صدایم را کم و زیاد کنم، از تن صدایم، زبان بدن بهره بگیرم، از رسانه‌های آموزشی استفاده کنم، سعی می‌کردم در کلاس با پرسش‌های ضمن درس مخاطب را فعال نگه دارم و از این قبیل. در دوران دانشجویی هم عمدتاً از دروس غیر کاربردی خسته و دلزده می‌شدم و به خود می‌گفتم اگر روزی این جایگاه را به دست بیاورم تلاش می‌کنم سخنان و رهنمودهایم به عرصه عمل نزدیک شود و سعی کرده‌ام به آن وعده پایبند باشم.



معلمان از چه امکانات و ظرفیت‌هایی می‌توانند برای پیشبرد اهداف آموزشی و پرورشی یاری جویند؟

در پاسخ به پرسش خوب شما، من ظرفیت‌ها، قابلیت‌ها و امکانات را به دو دسته‌ی درونی و بیرونی تقسیم می‌کنیم؛ ظرفیت‌های درونی، قابلیت‌هایی هستند که در وجود ما به ودیعه نهاده شده‌اند، این که خودمان را باور کنیم، از ذوق و ظرفیت‌های خودمان بهره بگیریم و آن را فراموش نکنیم، نباید به دنبال آن باشیم که فقط از دیگران تقلیدی صرف داشته باشیم، باید از چشمه‌ی جوشان وجود خودمان بهره بگیریم و آن را فراموش نکنیم.

از بعد دیگر نباید به چیزهای اطرافمان به دید کمال نگاه کنیم مثلاً وقتی به تدریس همکاری به صورت مجازی یا حقیقی نگاه می‌کنیم یا مطلبی را در باب روش تدریس مطالعه می‌کنیم به خودمان بگوییم این تدریس، این متن، کامل نیست. آیا می‌شود بهتر از این را اجرا کرد؟ بهتر از این متن را نوشت؟ اگر بنا را بر این بگذاریم موجب می‌شود که ما به سمت کمال حرکت کنیم و این دید انتقادی سازنده به مطالبی که می‌خوانیم، می‌بینیم و می‌شنویم موجب رشد و پویایی و حرکت ما خواهد شد.

از زاویه‌ی دیگری هم می‌شود به پرسش شما پاسخ داد که اگر ظرفیت‌های انسانی و غیرانسانی محیط اطراف خودمان را بشناسیم مثلاً ظرفیت اولیا را فراموش نکنیم، ظرفیت همکارانمان و ظرفیت همه‌ی دلسوزان تعلیم و تربیت، موجب می‌شود که بتوانیم کارایی و اثربخشی بیشتری در مسیر تعلیم و تربیت داشته باشیم.

گاهی در کلاس با دانش‌آموزانی مواجه می‌شویم که خجالتی هستند یا شیطنت‌هایی دارند. در چنین مواقعی طرز برخورد یک معلم باید چگونه باشد؟

طرز برخورد یک معلم باید مثل طرز برخورد پیامبر با امتش باشد؛ یعنی همراه با سوز و گداز و عشق به هدایت آنها. وقتی می‌گوییم پیامبر «طیبٌ دَوَّارٌ بِطَبِّهِ» بود؛ یعنی پزشکی بود که منتظر نمی‌ماند که بیماران به او مراجعه کنند بلکه خودش در جست و جو بود که چه کسی به کمک نیاز دارد تا به فریادش برسد.

به بیانی می‌شود گفت برخورد با یک دانش‌آموز دشوار از نظر رفتاری یا به بیان شما برخورد با شیطنت‌های بچه‌ها نباید برخوردی مثل برخورد یک پلیس با مجرم، یا یک قاضی با یک متهم باشد. ابتدا تصورمان این باشد که این بچه‌ها تحت تأثیر محیط و شرایط زندگی دچار یک ضعف‌هایی شدند و به کمک ما احتیاج دارند. از زاویه‌ی دیگر ما دانش‌آموزان را

میوه‌های درخت‌هایی تصور می‌کنیم مثلاً اگر خجالتی یا کم رو هستند باید مطلع باشیم که پدر و مادرشان با آن‌ها چگونه برخورد می‌کنند، دامنه‌ی خجالتی بودن یا شیطنت آن‌ها تا کجاست به عبارتی باید به سراغ ریشه‌ها برویم بعد ببینیم که آیا ممکن است شیطنت‌هایشان به خانه، محیط‌های اجتماعی دیگر هم توسعه یافته باشد؟ از چه زمانی این اشکال در زندگی آن‌ها رخ داده و از این قبیل. به عبارتی اول، اطلاعات خوبی فراهم کنیم، ریشه‌ها را پیدا کنیم سپس با توجه به علت چاره جویی کنیم.

ممنون از این که وقت خودتون رو در اختیار ما قرار دادید در پایان می‌خواستم خواهش کنم اگر تصویری از دوران دانش آموزی خود و یا سالهای اولیه خدمتون دارید در اختیارمان قرار دهید.

من هم از حسن اعتماد شما تشکر می‌کنم و دعا می‌کنم در زندگی موفق و سربلند باشید و در عرصه معلمی به خوبی بدرخشید. در خصوص تصویر دوران اولیه خدمت مانعی ندارد چند تصویر از سال اول و دوم خدمت خود به عنوان آموزگار دارم که در اختیارتان قرار خواهم داد.





لیست شهدای کابینه دولت

صبح روز شنبه ۲۳ مرداد، محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس ایران با بیان این مطلب اعلام کرد که رئیسی فهرست کابینه ی پیشنهادی خود را روز چهارشنبه ی قبل به مجلس ارسال کرده؛ اما از آنجایی که زمان صحن علنی به پایان رسیده بوده است، این اسامی روز شنبه اعلام شدند *

اسامی وزیران به این ترتیب است :

سوابق تحصیلی:

فارغ التحصیل رشته ی مهندسی نفت از دانشگاه صنعت نفت (رتبه سوم در رشته مهندسی نفت دانشکده نفت آبادان در سال ۱۳۶۶)

اهم سوابق اجرایی:

مدیرعامل هلدینگ انرژی گستر سینا، مدیرعامل گروه اقتصادمفید، مدیرعامل و نایب رئیس هلدینگ نفت و گازی توسعه پترومفید، عضو هیئت مدیره شرکت نفت و گاز رضوی، رئیس هیئت مدیره شرکت مهندسی توسعه گاز ایران

وزیر نفت: جواد اوجی



سوابق تحصیلی:

کارشناسی مهندسی الکترونیک از دانشگاه صنعتی امیرکبیر، کارشناسی ارشد مهندسی صنایع از دانشگاه علم و صنعت و دکتری مطالعات استراتژیک از دانشگاه امام صادق

اهم سوابق اجرایی:

وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، رئیس مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی، فرماندهی نیروهای قدس

وزارت کشور: احمد وحیدی



وزارت امور اقتصادی و دارایی: احسان خاندوزی

سوابق تحصیلی:

دکتری اقتصاد

اهم سوابق اجرایی:

مدیریت مجموعه مالی هانتن، کارشناس کمیسیون
اقتصاد کلان و بازرگانی مجمع تشخیص مصلحت
نظام، استادیار دانشگاه اقتصاد دانشگاه علامه
طباطبایی و مدیر گروه دانشگاه



وزارت اطلاعات: اسماعیل خطیب

سوابق تحصیلی:

وی از شاگردان سیدعلی خامنه‌ای، فاضل لنکرانی،
مکارم شیرازی و مجتبی تهرانی است

اهم سوابق اجرایی:

حضور و فعالیت در اطلاعات عملیات سپاه، فعالیت
در وزارت اطلاعات، رئیس حراست آستان قدس
رضوی، ریاست مرکز حفاظت و اطلاعات قوه قضائیه



وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: محمد مهدی اسماعیلی

سوابق تحصیلی:

دکتری علوم سیاسی

اهم سوابق اجرایی:

مشاور فرهنگی واجتماعی رئیس قوه قضائیه، مدیر
کل نظارت سیمای صدا و سیما، مدیر کل برنامه‌ریزی
مرکز تحقیقات صدا و سیما





وزارت جهاد کشاورزی: جواد ساداتے نژاد

سوابق تحصیلی:
دکتری مهندسی هیدرولوژی در دانشگاه دولتی
مسکو

اهم سوابق اجرایی:

رئیس فراکسیون آب مجلس دهم، سردبیر نشریه
علمی پژوهشی اکوهیدرولوژی دانشگاه تهران، عضو
هیئت ممیزه دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی
ساری



وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی: عزت الله ضرغامی

سوابق تحصیلی:
کارشناسی مهندسی عمران از دانشگاه صنعتی امیر
کبیر و کارشناسی ارشد مدیریت صنعتی از دانشگاه
آزاد اسلامی

اهم سوابق اجرایی:

معاون وزیر دفاع، معاونت امور مجلس و استان‌های
سازمان صدا و سیما



وزارت ورزش و جوانان: حمید سجادی

سوابق تحصیلی:
دکتری برنامه‌ریزی در تربیت بدنی

اهم سوابق اجرایی:

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، مدیر کل
تربیت بدنی و ورزش دانشگاه آزاد



وزارت صنعت، معدن و تجارت: رضا فاطمی‌امین

سوابق تحصیلی:
دکتری تخصصی مدیریت راهبردی دانش
اهم سوابق اجرایی:
معاونت برنامه‌ریزی وزارت صنعت، معدن و تجارت،
معاون برنامه‌ریزی توسعه و فناوری وزارت صنایع
ومعادن



وزارت دادگستری: حسین رحیمه

سوابق تحصیلی:
فوق لیسانس حقوق عمومی و مدیریت عمومی
اهم سوابق اجرایی:
معاون امور مجلس قوه قضائیه، معادن رئیس کل
دادگاه انقلاب تهران



وزارت نیرو: علی اکبر محرابیان

سوابق تحصیلی:
مهندس، سیاستمدار
اهم سوابق اجرایی:
وزارت صنایع، مدیر فروشگاه شهروند و معاون
سیم‌چوب





وزارت امور خارجه: حسین امیر عبداللهیان

سوابق تحصیلی:
دکتری روابط بین الملل از دانشگاه تهران
اهم سوابق اجرایی:
معاون وزیر خارجه، مشاور سیاسی ظریف، استاد
دانشکده روابط بین الملل وزارت امور خارجه



وزارت آموزش و پرورش: حسین باغ گله

سوابق تحصیلی:
دکتری علوم تربیتی
اهم سوابق اجرایی:
عضو هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد و از
مدرسین دانشگاه فرهنگیان



وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی: حجت عبدالملک

سوابق تحصیلی:
دکتری اقتصاد
اهم سوابق اجرایی:
از اعضای هیئت امنای کمیته امداد امام خمینی،
معاونت اشتغال کمیته امداد





وزارت بهداشت، درمان و آموزش سوابق تحصیلی:

فوق تخصص قرنیه چشم و بیماری "سگمان قدامی" از
دانشگاه شهید بهشتی تهران

اهم سوابق اجرایی:

مشاور وزیر بهداشت، ریاست بخش چشم بیمارستان
شهید دکتر لبافی نژاد



وزارت دفاع و پشتیبانی

نیروهای مسلح: محمدرضا

قرایه آشتیانی

سوابق تحصیلی:

دکتری مدیریت دفاعی از دانشگاه عالی دفاع ملی

اهم سوابق اجرایی:

جانشین فرمانده کل ارتش، جانشین رئیس ستاد کل
نیروهای مسلح، جانشین فرمانده نیروی زمینی ارتش



وزارت علوم، تحقیقات

و فناوری: محمدعلی زلفی گل

سوابق تحصیلی:

دکتری شیمی

اهم سوابق اجرایی:

رئیس سابق دانشگاه بوعلی سینا، قائم مقام سابق
بنیاد ملی نخبگان



لازم به ذکر است که تا این تاریخ یعنی ۲۳ مرداد ۱۴۰۰ مجلس در حال بررسی صلاحیت این افراد است و هنوز این افراد به طور رسمی به عنوان وزیر منصوب نشده‌اند.

صمیمانه تشکریم از جناب آقای دکتر بزرگمن، همچنین هیات انصار ولایت شهرستان صفاشهر و
تمام عزیزانی که ما را در تهیه و تدوین این شماره از نشریه اشراق به ما نهایت لطف و یاری را داشتند



 t.me/ESHRAQ_JOURNAL
 [instagram.com/eshraq_journal](https://www.instagram.com/eshraq_journal)